کتابچه دستور العمل و تعلیمات راجع به اختلافات سرحدیه ایران و عثمانی که در سنه ۱۳۰۹ هجری

از طهران جهت استحضار امیر نظام والی کرمانشاه و کردستان و صاحبقلعه و گروس فرستاده شده که محرمانه داشته و در مواقع ضرورت و لزوم با مراجعه بنجوی و راه نمائیهائیکه در آن شده برای حفظ حدود و احقاق حق ایران اقدام و جواب ادعاهای مامورین عثمانی مداخله و گفتگو نماید

در واقع یک سند مهم سیاسی و نقشه جغرافیای طبیعی تمام خاک سرحدی است با وضوح و روشنی کامل از نام قراء و قصبات و اوضاع محلی هرکدام و کوهها و رودها و دشتها و صحراها و مراتع و سرچشمه و منبع و مسیر نهرها و قشلاق و ییلاق ایلات و غیره که کوچکترین و جزئیترین چیزها از نظر دور و مهجور نداشته و حتی بعضی مدارک و اسناد خاصه عثمانیها مانند (گزارش درویش پاشا) [ص ۹] را جزء بجزء مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و عین عبارات ترکی را با ترجمه فارسی آنها آورده و جابجا به رد و نقض نظریات آنها تحت عنوان محاکمه بیانات وی پرداخته است صفحات ۳۰-۳۳-۳۸-۳۹-۴۱ و غیره ۳۵-۴۵-۴۶

مطالب تاریخی و اجتماعی بسیار مهم در اثناء مطالب آمده که برای نمونه بعضی اشارت میرود

۱- احترام و تجلیل فوق العاده که از امیر نظام چه در موارد خطاب و غیره که

۲- جنگ محمد علی میرزا دولتشاه با عثمانیها که در موارد متعدد در دو سه جا به آن اشاره کرده و نهایت تأسف را از آن ابراز نموده ۳۱

۳- ذکر ... حاج معتمد الدوله در سنه ۱۲۸۵ از سلیمان پاشا در مریوان بجهت دیوان امر خریداری و از جهت حقیت برای خاک ایران اثبات و اسجال نموده است ۵۲

۴- بر روز عصرها در شهر بانه از جهت اعتبار این بلوک گفته و دوباره جا بر آمده ۲۴

۵- دستورهای موکد در اطلاع از خیالات و نیات مأمورین عثمانی و تعیین مردمان محلی و دولتی برای این کارها و حسن سلوک با رعایا

۶- مردود و بی اعتبار شمردن عهدنامه سلطان مراد عثمانی با دولت صفویه که مورد استناد درویش پاشا بوده

۷- اتخاذ سند از بیانات درویش پاشا و استفاده از بعضی اشتباهات او و ذکر موارد آن بنفع ایران ۴۶

یک بچه دستور العمل و تعلیقات راجع به اختلافات سرحدیه ایران و عثمانی که در سنه ۱۳۰۹ هجری

از طهران جهت استحضار امیر نظام والی کرمانشاه و کردستان و حاکم [illegible] و گروس فرستاده شده که محرمانه داشته و در مواقع

ضرورت و لزوم به مراجعه نموده و در راه نمایی‌هایی که در آن شده برای حفظ حدود و احقاق حق ایران اقدام

و جواب ادعاهای مأمورین عثمانی مداخله و گفتگو نماید

در واقع یک سند مهم سیاسی و نقشه جغرافیای طبیعی تمام خط سرحدی است با وضوح و روشنی کامل

از تمام قراء و قصبات و اوضاع محلی هر کدام و کوه‌ها و رودها و دشت‌ها و صحراها و مراتع و سرچشمه و منابع و [illegible]

نهرها و قشلاق و ییلاق ایلات و غیره که کوچکترین و جزئی‌ترین چیزها از نظر دور و مهجور نمانده و حتی بعضی موارد

صفحات ۳۰-۳۲-۳۸-۳۹-۴۰ الی آخر ۲۵-۴۵-۴۶

و اسناد خاصه عثمانیها مانند (گزارش درویش پاشا) را جزء به جزء مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و عین عبارات ترکی را

با ترجمه فارسی آنها آورده و جابجا به رد و نقض نظریات آنها تحت عنوان محاکمه بیانات وی پرداخته است

مطالب تاریخی و اجتماعی بسیار مهم در اثنا مطالب آمده که برای نمونه بعضی اشاره میشود

۱- جرائم و تجلیل فوق العاده که از امیر نظام به دربار [illegible]

۲- حکایت محمد علی میرزا و لشکرکشی به عثمانیها که در موارد متعدد در [illegible] به آن اشاره کرده و نهایت [illegible] از آن [illegible] ۳۱

۳- واقعه در [illegible] حاج [illegible] در سنه ۱۲۰۵ از سلیمان پاشا در مریوان [illegible] دیوان [illegible] و از [illegible] حق برای دولت ایران اثبات و احقاق نموده است ۵۲

۴- [illegible] ۴۲

۷- اتخاذ سند از بیانات درویش پاشا و استفاده از بعضی اشتباهات او و ذکر موارد آن به نفع ایران ۴۹

کتابچه دستور العمل و تعلیماتیست راجع به اختلافات سرحدیه ایران و عثمانی که در سنه ۱۳۰۹ هجری

از طهران جهة استحضار امیرنظام والی کرمانشاه و کردستان و صاحبقلعه و گروس فرستاده شده که محرمانه داشته و در مواقع
ضرورت و لزوم با مراجعه بفحوی و راه نمائیهائیکه در آن شده برای حفظ حدود و احقاق حق ایران اقدام
و جواب ادعاهای مامورین عثمانی مداخله و گفتگو نماید

در واقع یک سند مهم سیاسی و نقشه جغرافیای طبیعی تمام خاک سرحدی است با وضوح و روشنی کامل
از نام قراء و قصبات و اوضاع محلی هرکدام و کوهها و رودها و دشتها و صحراها و مراتع و سرچشمه و منبع و مسیر
نهرها و قشلاق و ییلاق ایلیات وغیره که کوچکترین و جزئی‌ترین چیزها از نظر دور و مهجور نداشته و حتی بعضی مدارک
و اسناد خاصه عثمانیها مانند (گزارش درویش پاشا) ص ۹ را جزء بجزء مورد تجزیه و تحلیل قرارداده و عین عبارات ترکی را
صفحات ۳۰-۳۳-۳۸-۳۹-۴۱ و غیره ۲۵-۴۵-۴۹
با ترجمه فارسی آنها آورده و جابجا به رد و نقض نظریات آنها تحت عنوان محاکمه بیانات وی پرداخته است

مطالب تاریخی و اجتماعی بسیار مهم در اثناء مطالب آمده که برای نمونه بعضی اشارت میرود

۱- احترام و تجلیل فوق العاده که از امیرنظام چه در موارد خطاب و غیره گشته

۲- جنگ محمد علی میرزا دولتشاه با عثمانیها که در موارد متعدده درویش پاشا به آن اشاره کرده و نهایت تأسف را از آن ابراز نموده ۳۱

۳- دعاوی که بوسیله حاج معتمدالدوله در سنه ۱۲۸۵ از سلیمانیه در مریوان بحجة دیوان اعلی خریداری و از جهة حق برای دولت ایران اثبات و استحکام نموده است ۵۲

۴- هر روز عصرها در شهر بانه از جهة اعتبار این بلوک کهنه و نقاره چی میزنند ۲۴

۵- دستورالعملیکه در اطلاع از خیالات و نیات مامورین عثمانی و تعیین مردمان محلی و دولتی برای این کارها و حسن سلوک با رعایا

۶- مردود و بی اعتبار شمردن عهدنامه سلطان مراد که مستند ادعای تملک ... بوده قطعه و شبنه که مورد استناد درویش پاشا بوده

۷- اتخاذ سند از بیانات درویش پاشا و استمداد از بعضی اشتباهات او و ذکر موارد آن بنفع ایران ۴۶

بسمه تبارک تعالی

مواد و مطالب سرحدیه ذیل برای آگاهی و اطلاع جناب جلالتمآب اجل اکرم قوام الملک والاقبال و نظام الملک والشوکت والاجلال امیر نظام با احتشام دام اقباله در رعایت ملزومات اطلاعات مزبوره در ایام حکمرانی ایالات کرمانشاهان و کردستان و صاین قلعه و گروس بتاریخ شهر جمادی الآخره (۱۳۰۹) هجری مطابق توشقان ئیل ترکی نوشته میشود

اولا

جناب جلالتمآب معظم خود چه در تنظیمات راجعه بامور لشکر و کشور و چه در مواد متعلقه بتجارت و رعایت مدلول عهدنامجات دولت علیه با دول متحابه و آداب حسن معاشرت با تبعه و مأمورین ایشان بهمه جهت کاملتر و واقف هرگونه رموز مملکتداری و حکمرانی و حفظ روابط حسنه دولتیه میباشند البته بمقتضای وظیفه و مأذونیت حکمرانی خود در تمامی مواد اتفاقیه و مواقع مقتضیه لازمه مزید کفایت و دولتخواهی را از روی کمال بصیرت و آگاهی پیوسته مرعی و منظور داشته بعون تعالی بهر ترقی بتحصیل مقصود مقدس همایونی روحنا فداه موفق خواهند بود

ثانیا

ثانیا

از اینکه ایالتین کرمانشاهان و کردستان با خاک دولت عثمانیه مجاور و در رعایت بعض مواد و نکات دقایق آن همه جوره اهمیت عمده میتواند بود و مقتضی اطلاعات کامله در حق بلوکات متعلقه بایالتین مزبورتین و دانستن خط حد حقیقی ایالتین است علیحده خط حد هر یکی با انضمام بعض مواد راجعه بآن جدا جدا مرقوم میشود که بطور محرمانه در نزد جناب جلالتمآب معزی الیه بوده لدی الاقتضا مقتضای آن را منظور فرمایند

چون خط حد ما بین ایران و عثمانی که بایست بموجب فصل دوم و سوم عهدنامه اخیره ارزنة الروم مورخه سنه ۱۲۶۳ معین شود هنوز معین نگشته و بتوسط وسایط تعیین روس و انگلیس تا تعیین خط مزبور قرار بر رعایت ستاتوکو شده است یعنی هر جا که در حین عقد معاهده مزبوره خصوصاً در ایام گردش وکلای دول اربعه ایران و عثمانی و روس و انگلیس در سرحد که عبارت از سنه ۱۲۶۵ لغایت سنه ۱۲۶۸ بوده متصرف هر طرف بوده است کماکان در تصرف طرفین باقی بماند و بعد از آن نیز بموجب قرارنامه مخصوصه مورخه ۲۰ ربیع الثانی سنه ۱۲۸۶ بین الدولتین رعایت

جاهائی را نیز که هنوز در تصرف عثمانیه بوده و عهدنامهٔ مزبوره ترک آن را
بدولت علیهٔ ایران اقتضا مینماید و چنین حدودها این منظور داشته است
ولی چون هر یک فصل دوم و سوم عهدنامهٔ مزبوره هرچند صورةً مواد جداگانه
و حاوی احکام متفاوته هستند ولیکن روی هم رفته معناً کاشف حکم واحدی
و مشعر آن است که گویا عهداً در حق تمامی ولایات سرحدیه کلیةً از مبدأ تا منتها
یعنی از خلیج فارس تا کوه آغری آذربایجان قرار تستین علیتین برعایت استاتوکوی
تمدید شده است مگر در بعض مواقع بسیار جزئی که آنهم در ضمن بیان خط مزبور مشخص و بتفصیل
خواهد بود که اگر فرضاً بملاحظهٔ تصرفات امروزه جانبین در بعض مواقع تجاوزی از خط
مزبور حاصل شود در غیر مواقع مندرجه در فصل دوم عهدنامهٔ مزبوره و همچنین در مواقع مندرجه
در فصل دوم نیز بغیر از بلوک شمیران زهاب (یعنی در کلیهٔ ایالات و بلوکات سرحدیه
غیر از بلوک شمیران زهاب) و این تخلفی محسوب شود
ولی فقط در حق بلوک شمیران زهاب باینکه مهمتاً بتصدیق مأمورین تستین واسطه نیز

قواعد استاتوکو مجدداً تأکید شده ولی هیچگونه علامتی برای نشان دادن خط استاتوکو
در سرحد معین نگردیده است
بدینجهت وظیفهٔ سرحدداران طرفین تا تعیین خط حدود و تستین رعایت قواعد استاتوکو
و در هنگام ظهور مناقشه رجوع بتحقیق حالت معموله تصرفیهٔ ایام گردش وکلای
دول اربعه در سرحد و توفیق عمل بمقتضای آن است و بس
علی‌الحساب میزانی که برای سرحدداران دولت علیه قبل از ظهور مناقشه وسیلهٔ
آگاهی از خط استاتوکوی مزبور بوده همانست احترام آن را نصب‌العین مأموریت خود
و متضمن رعایت حقوق ملکیهٔ دولت علیه دانند عبارت از خطی است که مأمورین دولت علیه
در مجالس قومیسیون مختلط وکلای دول اربعه در اسلامبول بیان نموده است

اگرچه خط حدود ادعائی مأمورین دولت علیه در مجالس مزبوره عبارت از خط حدود
دولت علیه بر وفق فصل دوم و سوم عهدنامهٔ اخیرهٔ ارض روم است و بدینجهت تعقیب

ج ۲۱۵

از اراضی شرقیه و جبالیه زهاب و عهداً ترک آن با ایران مقررست چون هنوز
تقسیم رسمی مملکت زهاب فعلاً مجری نشده است مداخله عثمانیه را در حق بلوک مزبور
قبل از تقسیم آنجا دلیل تخطی نمیتوان معدود داشت مگر در وقتی که بقیاس تصرفات
ایام گردش وکلای دول اربعه در سرحد تجاوزی در حق حدود بلوک مزبور بالتبع سیمی
در حدود آن واقع شود در آنصورت فقط بعد آنجا در بارتبع مزبور خلاف استاتوکو و از مقوله تخطی خواهد بود

چون بلوکات سرحدیه کرمانشاهان عبارت از بلوک ایوان (مسکن کلهر منصوری)
و بلوکات پشته گیلان و گیلان و دیره و گلین و قلعه شاهین (مساکن کلهر شهبازی)
و بلوکات زهاب است که توابع مزبور تقریباً از جنوب بشمال پهلوی یکدیگر واقع شده اند
و طرف شرق ایران اراضی پشت کوه لرستان و در میانه رودخانه کانی شیخ حد فاصل است
و تمامی مراتع قشلاقی این بلوک برای زهاب که مایه زندگانی اغلب عشایر کرمانشاهان
در موسم زمستان منحصر بمراتع مزبوره است از منتهای غربی و جنوبی این بلوکات شروع کرده

منتهی

منتهی بحدود عثمانیه میشوند یعنی جنوباً منتهی بجبل الدیر سنبیج و جبل نفت و غرباً منتهی
بجبل بلند باغچه و جبل باغچه بزرگ و کوچک گردیده اند که معروف بکوه شاه کوه و باره بان
و ازوله رود که در معنی مایه اتصال جبل باغچه کوچک بجبال سمت غربی دره ایران است
در وسط این مراتع واقع و طرف جنوب آن منابع رودخانه نفت است که رو بجنوب
غربی جاری و بواسطه تنگه معدن نفت از رشته جبل الدیر و جبل نفت رو بصحرای سمت غربی
سنبیج بیرون میرود و بسمت شمال شاه کوه سرچشمه کانی بز نعاره جاری گشته است
که وقت نقصان آبها از شرق جبل باغچه کوچک رو بشمال غربی تقریباً جاری و بواسطه
دره و تنگه شقیق خان از سیار رود الند منصب برود الند میشوند ولی اغلب تابستانها
خشک شده برود الند نمیرسند
بنابراین خط حدود بلوکات مزبوره در میان تنگه که رودخانه کانی شیخ بواسطه تنگه زرده
از رشته جبل الدیر رو بجنوب غربی بصحرای غازانیه و سنبیج بیرون میرود از همین رودخانه
مزبوره شروع کرده با امتداد دره های سلسله جبل الدیر در تنگه معروف بنام تنگ
(یعنی میان تنگ) (که رودخانه صمرمار یعنی گنگیر بواسطه تنگه مزبوره در رشته جبل الدیر بصحرای

مندلیج میگذرد) رسیده در همان نقطه رودخانه حد مابین را از بیات رمین قطع کرده
بذروه کوه سنگ مندلیج که حالا نیز یکی از نقاط سرحدیه مسلمه طرفین است وارد رشته جبال اکرت
بر میخورد و بابسته از سلسله جبال الله مرز بذروه جبل کهنه رنگ و ذروه جبال دربلند که رشته
بدهنه تنگه رودخانه نفت منتهی شده در همان نقطه رودخانه مزبور را از بیابان کنار آن گذشته
بنزدیک ترین رشته جبل نفت وابسته از آن برشته جبل بلند باغچه که در جانب مغرب
دشت دار خرما ممتد است رسیده با متداد ذروه‌های جبل مزبور از مغرب جبل
باغچه کوچک گذشته بواسطه رشته جانب غربی تنگ شقیق خان بنقطه در مغرب
مصب کانی برده الوند از طرف یسار رود چای رود الوند شده بحکم اسطار ق
از مندلیج تا رود الوند حد فاصل اراضی کرمانشاهان از اراضی عثمانیه میشود

همچنین از آنکه مملکت زهاب بادی مطابق فصل دوم عهدنامه اخیره باعتبار بسیطه
و جبالیه از شمال بجنوب بدو قسمت منقسم شده اراضی بسیطه غربیه بدولت عثمانیه
و اراضی جبالیه شرقیه بدولت ایران واگذار شد و حقیقتاً اراضی بسیطه

غربیه

غربیه مملکت مزبوره عبارت از بلوکات معتبره خانقین و بن گذره و دو که دو قلعه
و حاجی قره است که بواسطه نهرهای منشعبه از یسار رود سیروان و یمین یسار
رود الوند مشروب میشوند همگی فعلاً در تصرف عثمانیه است
و اراضی شرقیه جبالیه هم در تصرف ایران است مگر بلوک شمیران که در قطعه شمالی
مملکت مزبوره در دامنه کوه بمبنه معروف به پشت قلعه و یسار رود سیروان واقع
و با آنکه عهداً باید بایران رد شود هنوز در تصرف عثمانیه است
و دهات و آبادیهائی که از اراضی شرقیه جبالیه در قرب حدود است قصر شیرین و دو آب تبع
و قوره تو و قریه سنگر نادری و قریه میدان و هرشی و دشت کیف یعنی پشت کوه
و بلوک شمیران است
سیروان عبارت از آبهای مجتمعه رودخانه معروف به کاوره گلیائی و آب رودخانه
قشلاق معروف برودخانه شهر سنه ج کردستان و رودخانه بزرگ مسمی
بقطاون و کاران مریوان و همچنین بعلاوه فاضل آب دریاچه زریوار مریوان

و رودخانهٔ جوازده و رودخانهٔ ضحکان زاب و غیره و غیره است که بعد از گذشتن
از حد اورامان یعنی از محاذی زاب بره تا اوغلی را باد غلی که محل التقای رود
الوند به سیروان است حد شمال غربی مملکت زهاب شده بعد به دیاله تسمیه می‌شود

قوره تو اسم بلوک است و هم اسم رودخانه است که از تنگ حمام گذشته
بلوک مزبور را مشروب ساخته اگر فاضلی آبی داشته باشد در شمال مبدأ جنب قشقه از
سیروان و جنب رودخانه سیروان می‌شود

نظر به تفاصیل مزبوره خط حدود اراضی شرقیه جالیه مملکت زهاب از جائی که از خط حدود
سایر بلوکات کرمانشاهان در مغرب ملتقای آب کانی زرد (کنده زر) رود الوند
یعنی در مغرب تنگه شفیع خان به رود الوند رسیده به دو قدری با مجرای رود الوند
سرابالا ممتد شده در شرق تپهٔ حاتم بیک در نقطه که قنال حاجی قره از رود الوند
منشعب می‌شود به همین رودخانهٔ الوند گذشته به تپهٔ حاتم بیک و با مسند اول آن

تیله مردازما

تیله مردازما که مبدأ آق داغ است و از آنجا با مسند اوغلی گذشته که گته ره
داق داغ واقعه قشقه شیروانه به تنگ کوناکو را و در میان تنگ مزبور یعنی در جنوب
منصب رود قوره تو به سیروان به رود سیروان رسیده و از آنجا با مجرای سیروان سرابالا
ممتد شده با محاذی محل موسوم به زهاب بره رسیده موافق فصل دهم عهدنامهٔ اخیره
حد فاصل اراضی شرقیه جالیه مملکت زهاب با اراضی بسیطه غربیه آن می‌شود
امتداد خط حدود قدیمی که با خط استاتوقوی مملکت زهاب دارد فقط از تپهٔ حاتم بیک
واقعه در بین رود الوند تا ملتقای رود قوره تو به سیروان است یکی هم از محاذی زهاب بره
با مجرای رود سیروان تا نزدیک دربند خان است که عبارت از حد غربی وجه
شمالی بلوک شمیران هم
زیرا خط استاتوقو از محاذی تپهٔ حاتم بیک تا ملتقای رود قوره تو به سیروان
جالیت همه جا با همین قنال حاجی قره ممتد شده بعد به سمت تنگ کوناکو رد
و اراضی واقعه فیما بین امتداد خط و خط فاصل اراضی جالیه شرقیه و بسیطه غربیه را
که از تپهٔ حاتم بیک و آق داغ و جنب قشقه منتهی به تنگ کوناکو نشده است تا فعلاً

مجری شدن تقسیم مملکت زهاب بدولت ایران واگذارد همچنین خط
استاتوقوی سمت بلوک شمیران میبایست بالاتر از دربند خون و بالاتر
از محاذات کوه بلند شاه کرم از پای سیروان شروع کرده از شمال کوه
شاه کرم در هرجا با جنوب بلوک مزبور و شرق آن بالاتر از محاذات زهاب و
پایین‌تر از ملتقای رود چمگان برود سیروان منتهی برود سیروان شده بلوک
شمیران را تا فعلاً مجری شدن تقسیم مملکت زهاب بتصرف عثمانیه منظور دارد

دربندخوان عبارت از تنگه و آبشاری است که رود سیروان بواسطه تنگه مزبوره
سلسله کوه بزرگ بموره اشکافته تقریباً بهر دسته ذرع ارتفاع از میان کوهها بیرون
می آید چون در نزدیکی آنجا معبری برودخانه مزبوره هست و تقریباً رباطی هم
دراین سیروان بوده است بانچه دربند مزبور بدربندخوان معروف شده است
چون عثمانیه بهر نحوی است از ایام گردش وکلای دول اربعه در سرحد تا حال ذرتیه حالم تسلی

تنگ

تنگ گرفتا گرفتا یعنی تا سیروان از جمیع رقعه فیمابین خط استاتوقو و خط تقسیم زهاب را
متدرجاً ضبط کرده حتی از کنار سیروان تا رود الوند هفت عدد قراولخانه احداث
کرده قراول نظامی گذاشته اند سلسله قراولخانه‌های مزبور تقریباً بخط تقسیم زهاب
منطبق شده است

علیهذا چنانکه اندک اشارتی در فوق گذشت خطی که در فوق بهای تقسیم زهاب
درج شده است باستثنای بلوک شمیران در سایر مواقع مطابق خط استاتوقوی
حالیه هم میباشد

عجب‌تر این است که حکومت کرمانشاهان در این عرض مدت یعنی از گردش وکلا
تا حال ملاحظه نکرده قریه میدان در نزدیکی معبر دربندخوان خراب و خالی از سکنه
شده است برای طرد احمدوند و سایر اشرار عشایر و حفظ امنیت معبر مزبور فقط
یکقراولخانه در قرب قریه میدان در پای سیروان یعنی در داخله خاک ایطرف ساخته است از عثمانیه
آنهمه تجاوزات خودشان و احداث هفت قراولخانه را در داخل اراضی محلی

که برحسب استاتوکو بایست تا هنگام تقسیم رسمی مملکت زهاب در تصرف ایران باقی
بماند کان لم یکن انگاشته ساختن قراولخانه مزبور را برای حکومت کرمانشاهان
اسباب بحث قرار داده مکاتبات رسمیه در آن باب شروع کرده اند و هنوز معلوم نیست
دنبال مکاتبه را الی کجا میسازند

واضح است که اگر در این باب بخاکپای جلالت‌مآب اجل اکرم اظهار رسانند مقتضی اطلاعات
مفصله فوق جواب بادلتی خواهند داد

همچنین نیز باید پوشیده نماند که مملکت زهاب یکی از بلوکات معروفه محصول خیزی
در آب علیحده است قطعه که از مملکت مزبوره در تصرف عثمانیه است اعظم از اراضی مسلطه
که عبارت از خانقین و حاجی قره و ده که و قلعه و سکندره و ... و اراضی جانبیه کرکر
شمیران تا بحرین در تحت حکام عثمانیه بکمال معموریت و آبادی بهم رسانیده
ولی قطعه که الآن در تصرف ایران بهره علیحده است هنوز آنقدر آبادی بهم نرسانیده است
که تمامی منافع آن اقلاً معادل منافع حاصله تنها یک بلوک شمیران که موقتاً
در دست عثمانیه است بشود

و حال آنکه این قطعه برای آبادی و گذران رعایا و حشم زیناب‌تر و مرغوب‌تر از قطعات
سایره است چرا که هم مزارع خوب آب دائمی دارد و هم مراتع کافی و لیکن چه ثمر که
ندارد که رعیت است که از بی‌قیدی حکام سلف و تعدی آنها متدرجاً بخاک عثمانیه
فرار کرده سبب آبادی آنجاها و خرابی بلوکات سرحدیه این طرف شده اند و از طرف دیگر
اهالی این حوالی از مقوله عشایر و حشم هستند خرابی اینجاها را که وسیله آبادی مراتع
میشود شاید برای خودشان غنیمت دانسته اند باری کمتر زراعت آنجاها شده و هر

حتی جولگه زهاب که تقریباً دو فرسخ طول و یک فرسخ عرض دارد و من القدیم پنج نهر معتبری
بسمت یمین رود الوند (که عبارت از جولگه زهاب است) داشته روی هم تمام آن
بوده اند که تمامی رود الوند را که از ریجاب باغ جولگه می‌آید با این نهرها بر می‌داشته
بکار زراعت این جولگه که تماماً در یمین رود مزبور است می‌آوردند و نهری که از آنها
عیاناً دیده شده یکی دل آهن و دیگری زرینجو نام دارد هر یکی دارای
ده دوازده سنگ آب بوده اند

اگر این نهرهای خمسه و ده نهری که مرحوم ملک نیاز خان بیسار از رود الوند احداث

کرده بوده است همگی معمور و آباد و بقدر اداره آنها زمینی برای کشت و زرع

جمیع دهکدهان پشتکوه کاری در صفحه‌ها وا داشت نمایند مراتب شتی بعد از

حالیه آنجا خواهد افزود

همچنین حواشی رود قوره تو که ابتدای آن رود شیر قصبه زهاب است بعد از

گذشتن از تنگ حمام برود قوره تو تسمیه میشود همگی قابل آبادی است و رودخانه مسلط

بر حواشی خود میباشد ولی چون غالبا دست عشایر بوده و بقدر کفایت محل علفی

که بقاعده مشغول کشت و زرع شوند امکان نشده بدین علت مواقع مزروعه بنظر

شایسته تجلیه کلی و بمقام توفیر مداخل نرسیده است

کذلک حواشی رود هوبان (یا عباسان) که بعد از رود مزبور از دشت جگیران

گذشته سلسله کوه بزرگ میرا (که حد فاصل بین کوه و پشتکوه زهاب است) بواسطه تنگه

دربند دهول برید از شمال کوه مزبور بجنوب آن یعنی از سمت پشتکوه بسمت

پیاده

پشتکوه جاری و اغلب اراضی زرخیز قریه نسیه‌ان و دهی رود بیروان میتوان

قابل آبادی و توفیر محصول است در ایام گذشته مدتی کشت و زرع جگیران مشغول

بشیخ عم الرسول و توابع و در کشت و زرع قریه نسیه‌ان و شیخ سعد وقف

و توابع دو بهوالی خانه مهر و حبوب و غلات از سکنه دور رعیت رود مزبور با انضمام

دهات عمده نشیان و حوالی و زمینی توابع پشتکوه زهاب بعد از آنجمله دهات

پشتکوه بعهده شرف باقی است

جلگه بشیره هم که یکی بعد رود حقیقتا قابل ذکری است اگرچه در حولهات تصفیه

برضایت و خود جلگه زهاب هم متوقف است ولی جمع از اهالی طاق گرا زرع لعه

آنجا بعضی عرب با شهر بیچ لکه زهاب میشود و شاید قدم جلو حوالی زهاب بعهده باشد

بین جهه دیگر آن نیز در این موقع خالی از رعیت میباشد حصه در ورود اول آب

در آینده مزروع و دست میکی از حولهات معتبره خوب میشود است

کذلک اراضی طرف یسار رود الوند از مصب رود لیکدان در رود الوند تا گذشتن

از محاذات قصر شیرین در سیه‌ان کمی دوره لطیف قابل آبادی است هطلک نهری

ملک یاران ان مرحوم از رود الوند باطراف احداث و در سواحل قصبه شروع باشد

بلکه بعد و اگر از طرف حکومت هم اقدامات عدیده تمکین شود نفعی نیز احداث شود

نیاز خان را توسیع و تعمیق نمایند و در صورت احتیاج با تفرعات آن ترعه دیگر حفر

احداث و جاری گشت و در هیچ جا نیست که به بهانه قیاس بعد از این آنجا حصه او دهد

و آنکه این اراضی جز دیار اراضی کشاورزان است در وطن ترعه آب وارد

و اجحاف در مقابل قصر شیرین در دیار زهاب اندر واقع و قلعه تابع ملوک قصر

شیرین است مناسبت توفیر به آنچه قصر در این نوع تقسیم کرده

اما ملکات سرحدیه کوهستان سنجابی در حدود انتقال تفصیل ذیل است

چون ملوک شیرین و زرخوان در عثمانیه خطه دولت تغییر نیافته یکی از ملکات

سرحدیه این طرف چند سال قبل از عقد معاهده اخیره به تصرف عثمانیه گذشته

رفت انتقال عهدنامه و گوکش و لولیان دول از به دو سرحد هم در تصرف

عثمانیه بعد است و بر نتیجه عهدنامه اصل ملکات از طرف سرحد ایران داشت

عهده الحکم ارزروم بموجب فصل سیم عهدنامه اخیره که قرار با شاه تود شاه است

ملکات سرحدیه کوهستان از سمت زهاب بطرف لولیان عادت از

جوانرود و اورامان و مریوان و قبیح از خرخوره و قطعه ملکی ملوک الشهر

و به ملوک باشد است و در بعضی ملوک جوانرود هم چندان اتصال به هم دارد

که احتیاج شرح تفصیل اراضی آنجا نیست انجا شود

و ملوک اورامان بموجب سکونت که در میان سیروان با ثبوت حظ

که بعد از اجتماع رود خانه کادر رود و کیانی و رود قشلاق معروف به رود سیوح

و رود خانه بزرگ معروف به قطعه و ن و کاران و فاضل آب دریا هم

در دیار مریوان و غیره از در سطح میان ملوک اورامان به واسطه مجرای دامنه

یک سلسله تنگ ب رعیتی و تنگ سیکدرد

و علاوه بر آن سلسله کوه بزرگ و دنبه شاهو و متفرعات آن محیط ملوک

مزبور واقع شده

هم نقطه عمده استراطژی و حصن حصین خداآفرین است و هم یکی از ملکات

معتبره کوهستان است و بسبب حصانت محل اهالی آن جنگی است و هرگز تبعیت

هیچ کیان نشده لذا گاهی هم رشادی ابا و طغیب سطح و عقب چشمه

در قبیح حق سلطان و شیعه سلطان و غیره نسبت به ولایت شیعه بتوعه خودشان

نیز خالی از تمرد و عصیان نمی باشند

بهمین علت در این دولت جاوید آیت کوششها شده که حدود دره [illegible] در نقطه مناسب

بنا و ساختمانی گذاشته از آنجمله [illegible] رفته است و بهر موقعی ساختمانی بنا

از طرف مملکت تهیه [illegible] انجام [illegible] جلیل القدر [illegible] بملاحظه

[illegible] که توجه قلعه [illegible] ساختمانی در آن نقطه [illegible] مرتب

[illegible] انضباطات [illegible] ساختمانی [illegible] ملزومات مخصوصه

[illegible] منظور خواهند شد

جنب [illegible] کوه شاهو از جنوب ملک اورامان بمغرب آن [illegible]

و آنچه بسمت مغرب است یکطرف [illegible] عبارت از جانب غربی [illegible]

[illegible] صحرای شهرزور [illegible] عثمانیه است [illegible] بملاحظه تصرفات [illegible]

باید در بعض جاها از کوه‌های طرف غربی [illegible] گذشته و در بعض جاها

منطبق به تیغ [illegible] ساخته شود [illegible] بموجب فصل سیم

عهدنامه [illegible] محکم [illegible] مجلس [illegible] اسلامبول برای [illegible]

گذشته است بر این که حدود [illegible] تصرف [illegible] این طرف [illegible] باشد

[illegible] از کوه [illegible] گذشته [illegible] است در این [illegible]

درج خواهد شد [illegible] بملاحظه [illegible]

[illegible] که از ملک اورامان [illegible] و در باب [illegible]

کوه شاهو است عبارت از قریه [illegible] و قریه [illegible] است

که [illegible] اورامان تا [illegible] باب [illegible]

[illegible]

[illegible] است که در مغرب [illegible] کوه شاهو طرف صحرای شهرزور است

املاک ریوان

عبارت از اراضی و دهات [illegible] که هم [illegible]

در وسط آن است [illegible] آن چشمه ایست که [illegible]

و [illegible] آن [illegible]

حتی بیرون از کعبه دور دور امان میکردند و هم در روی خانه سطح قطعات نگاران

دور او حتی بیرون گذشته و حتی بیرون می‌شدند

دهم یک قلعه بهم شده در این جوک تابع رود قلعه است که در یک شب آن

دهکده‌های معمور و آباد بیرون است و در قرب قریه دوان یک دسته راه بهم می‌شد

ابتدا از پیرو بیرون و در دوان تهیه شده و بعد از رسیدن تقریبا تغییر اسم که رود قلعه

تغییر شده دور قلعه گذشته به واسطه شکر دور به معروف به حجم و ل‌ها و بین مولکات

شهرها در دسپول و غیره شتابان افش ده احد در جوک بتوان شتاب بجوعه ابهای

به وادیان و غیره ایران و سبی رود طوی است و اصل شده سرب سیر

و یک شبه عمده شط بند که لکه‌ها امتو ن کار میکردند

و اکنون کار به نظر شهادت بعض تواریخ ایران و شاهی و دولت ملت که‌های

دور امان و سه درجان و کوه‌های زرد در صورت که لفظ خاص بود گفته ارجان

رجب عمده به سمت آن برکوی سلم بچه باشد یک از نقاط رجه به حوالی رجب

سال‌ها به بزرگ به و خط رجه به واسطه کوه‌های زرد پایاب ابگر سمت باشی قدان

دهاش قلعه برقه است

دهم قلعه شاه آباد در سرخ تابع جوک بیرون در این جهه فرود در به رکی

ایجاد شده برای حفظ امنیت جوک بر رود نسیم قمری عشایر داخله بانی و اصول عمور

و مرور عشایر جنوبی از آنجا خروج سر راه عشایر به سمت رجاف و رعایا در سموات

قبل از قلعه بیرون و در آنجا سمت داخله جوره و لشکر برای علف چرانی

می‌شدند گذشته اقدام جوابها مولکات به بروجرد پاسینه و بعد قوری لی

عشایر طی در کوه‌های جاک میدیر ممنوع شد ایشان نیز در کوه‌های کاک ایران

ممنوع گردیدند بهترین نقاط مهمه است البته انتخاب جلد کتاب نیز که خواهد

صوری و عشق استعدار نقاط مهمه بهتر از همه متعدد به شمشه طول وقت در نصب نصب

عمده ساحلهای آنجا از ترتیب تنوعات کذا به آن ناحیه را لکار

انسکونه مقامات مقدسه برای آیندگان نظر خواهند رفت و نیز بسته نظر حالی

در حق قلعه مزبوره و قلعه‌های دور از امان خواهند داشت که بی‌اندازه مقصد

بدون فوت وقت فوری اولکارهای ولایتیه کذا به وغیره وغیره وضع تحقیقات

مستقله برآینه

عموماً از دهات مزبوران آنچه نزدیک بکوه هزار واقع شده اند ولیه

بروجن و اسکول و سیروان و بوزان و تقتان است و در شعب تر

دشتهای کوه زیر امان و لرد خیابان واقع شده اند در قره بایره و دیوال

وجرم آباد و قریه و قلعه و مساجد است که بعضی در جوانب متصل بهم باشد در جلد

و بعضی در شعب جنوبی کوه کس روشن و سهوه که معروف بکوه هزار ماله

واقع شده اند و کوه هزار را که عبارت از دو کوه است که در شمال بیرون و جنوب بشیر

و نوجوان منقسم شده است

اما بلوک بافته که در بعضی مراتب در جنوب شمال است

عبارت از دهات و مزارع و مراتع پر آب و علفی است که جنوباً متصل بشیر و نوجوان

و غرباً متصل به بلوک شهر بابک و از سمت شمال بغنانیه و شاه متصل بارز حی و بلوکات رفشت

کوهپایان است تجه مزبور اعتبار این بلوک در شهر بابه عصر آنکه مالی و نقاره خانه زده میشود

که معروف به کوه و کوه که منبع اصلی آن بعض اراضی از نه قرار داده‌اند حد مابین

بافته و بلوک شهر و سایر شعب جبال بین بلوکات بافته است که از جانب غرب

ساحل مزارع بین بلوکات احداث ... و در نشکه مرسوم به تنگ دره زر ...

کوه معروف بوریکو (یعنی نرمه کوه) مرتفع‌ترین کوه‌ها در آن بین ... ایران

و آن که ... شاخه شمالی ... کوه ... است

مسئله دیگر از جمله مسائل متنازع فیه که مابین دو دولت مانده است که از شمال مریوان تا اراضی اورامان

و جنوب شرقی و شمال رود شرقی یعنی رودخانه زاب ایران محمد آباد و بعد باز رود مغرب

بنجمه دره تنگ طولانی بعنی آورده است که شیخ و نوجوان گفته میشود و بر تپه بسته

مزبوره حد شمالی مریوان و جنوب شیخ و نوجوان شده و بعد از آنکه رود مغرب بنجمه است

حد جنوبی بانه و شمالی شیخ و نوجوان و قری از ولیه شده است و بعد رود شمال مغرب

رسیده حد مابین بانه و بلوک شهربازار و سیول عثمانیه گشته منتهی به تنگ دره

دیلیزه رسیده میشود

چون بلوک بانه بطوری که اشاره شد جزو بلاد عثمانی محدود است لیکن بسبب بوده که هر دو را مالک

بوده لیکن است و دهات آن شیخ و دهات بلوکات مریوان و اورامان

و سایر بلاد و دهات بلوکات عثمانیه مخلوط نیست بجز شاقریه حاجم بار دوله که در جنوب

مسئله مزبور از توابع بانه و محلات قریه سیاه کوه بر عثمانیه است و بعین جهت از

اهالی مزبور دهات بلوک مزبوره که در قرب حدود واقع شده اند میباشد

اما خط

اما خط حدود بلوکات کردستان نظر بتفصیل مزبوره

بر مقتضای فصل سیم عهدنامه اخیره حد فاصل اراضی متصرفه فیمابین طرفین باید در حق

این بلوکات خط حدود جانبین بعد بر نزیرا که بموجب فصل سیم مزبور طرفین در تعیین

محدوده و زهاب از جانبین از ترک دعاوی در حقیه را ملحوظ نمی دارند و تولی مورد التزام

علیه انجانب در کمیسیون تشخیص حد تقسیم زهاب اشاره خط مزبور در بیان حدود مریوان

از محل موسوم به زهاب بزرگ شروع کرده با قرب و ذات رشته کوه بالامو

واز آنجا با امتداد سلسله مزبوره بذروه شاه زوی و کوه کورانکه و بذروه شمالی کرد

کاوکش واز آنجا با امتداد رشته مابین قریه سوسکان و قریه طویله شمال طویله چیده

از مابین بلخه سفلی و بلخه علیا واز مابین قریه بیاره دهانه گرگه واز مابین سرخط

دهانه وند واز مشرق قریه ظلم (ظالم قلعه) و مغرب دهانه قل گذشته

در جانب شمال برده رش بذروه سورین که اصل ذروه سلسله شاهو اورامان است

رسیده حد فاصل اراضی اورامان از اراضی شهر زور میشود و بعد با امتداد رشته

مزبوره از دره و گردنهٔ چغان و دره و بند کچل مرور کرده بعد بشرق شمال پیچیده از مابین
قوتین رشان و نوزان بذروه سیاه کوه و از روی ذروه های آن بالتزام مجرای
میاه از جنوب بناوهٔ سوته گذشته بعد بشمال پیچیده از مابین ناوه سوته و قوتیه
باتوه گذشته در جائی که آنجای قوتین مزبورتین بهم متصل میشوند بمجرای رودخانه
ناوه سوته منتهی بعد از ملحق شدن بمجری رودخانه که از جلکه میگذرد رودخانه مزبوره از بین
گذشته از روی پشته در شرق قریه مسعود ممتد است بجبهه کوه گونه رشا
رسیده حد مابین مریوان و قزلجه میشود و بامتداد رشته کوسه رشا بارعایت
مجرای میاه جانبین از دره کانی ملک و بزدبه سیان و بالیگذر و هزار ماله
دشت شهیدان و گردنه نوخوان گذشته حد مابین مریوان و شلیر نوخوان میشود
و بعد بذروه سی کانی و گرده و بزد و زمان و دو پچستان رسیده
حد مابین خور خوره و شلیر و نوخوان میشود و بعد بذروه پاراژال و هیرگه کورا
دکوته رش گذشته حد مابین بعث طاش تفر و شلیر و نوخوان میشود و بعد بذروهٔ

دوبرا و پشتهٔ شوه گوران و سرتاژان و پشت احمد آباد مجروبه و برده کچک و
وسی کانی که از ذرات سلسله متصله کوههای سمت جنوبی و شرقی و شمالی شلیر و نوخوان
هستند میگذرد و بعد از تبعیت امتداد همین رشته کوه بیرون آمده در جانب جنوب رشته
مزبوره از مابین قریه چم پاراو الین و قریه سیاه کوز مرور کرده بواسطه دره
که منبع جنوبی آب قریه چم پارو است برشته کوه سورکوه (سورکیو) رسیده حد
مابین بانه و قزلجه شده بامتداد رشته کوه مزبور با رعایت مجرای میاه از دره
سورکیو و برد کوه ره و سورکیو گذشته در نقطه رشته مزبوره در گلوی دره آلان
منتهی به بیار کیوه رود میشود یعنی در تنگ دره ره برودخانه کیوه رود ملحق شده
حد مابین بانه الین و شهر بازار و سیول عثمانیه میکند و بعد با مجرای رودخانه
مزبوره دو پایین رفته بخط حد هولکد با پایان متصل و حد مابین آلان و پتوش تا بیع
سردشت الین و آلان کرکاشه عثمانیه میشود یعنی بین آن آلان سردشت
و سیارآن آلان عثمانیه میشود

استدلال

چون درویش پاشا مامور عثمانی با آنهمه خیالات دلخواهانه که در تعیین خط حدود داشته

وسعی کرده است که بعنوانات مختلفه بعض اراضی وبلوکات ملک طلق ایران را

که من القدیم در تصرف ایران بوده است بخلاف فصل سیم عهدنامه اخیره

برای عثمانیه لو قانماید باز در حق همین بلوکات کرمانشاهان وکردستان

درضمن سیاحتنامه خود گاهی باراضی متصرف فیهای ایران اشاره بتصرف ایران در ایام

حدود وقبل از آن اشاره واعتراف کرده گاهی هم بخط حدود حالیه بعضی اشاره نموده است

واین هر دو در معنی بموجب فصل سیم عهدنامه اعتراف است بملکیت ایران در حق

مواقع مزبوره علیهذا برای اینکه خط حدود قلمدادی فوق در حق بلوکات مزبوره

بیانات درویش پاشا محمول بخط حدود دلخواهانه وبلادلیل قوی نباشد (وبهترین

دلایل اعتراف مدعی یعنی درویش پاشا بر صحت خط استنادی تقوی قلمدادی فوق

وعهداً دلیل اختصاص ملکیت بلوکات ومواقع مزبوره بایران است) بیانات او در حق

بلوکات

بلوکات مزبوره حاوی این مقصود درضمن سیاحتنامه مزبوره مندرج است ذیلاً قطعه

ومحاکمات رجعیه هر یک نیز مزیداً للتوضیح بلاواسطه نوشته میشود تا هیچگونه اشتباهی

در صحت خط استنادی تقوی قلمدادی فوق باقی نماند

از آنجائیکه در غیر زهاب از بابت بلوکات سایره سرحدیه کرمانشاهان بجز صومار وچشمه

محکی که جزو بلوک ایوان مشهد دهی دیگر متصل بسرحد واقع نشده وتصرف ایران در حق قریه

صومار ونقطه خط حدود بودن کوه سنگ مندلیج یعنی جنب الامر در سرحد الکا مسلم

طرفین ومستغنی از استدلال است

به نتیجه در حق تتمه اراضی سرحدیه کرمانشاهان از مندلیج تا خانقین واز سومار تا یسار

رود گیلان ودره الوند همگی از مقوله چراگاه وقشلاقات متصرف فیهای عشایر ایلات است

فقط تفصیلات درویش پاشا باکمال رعایت در برای تخصیص اسباب ادعای آنجاها داشته درضمن

سیاحتنامه خود درج کرده است ذیلاً نوشته میشود

درویش پاشا در سیاحتنامه خود در صفحه (۳۶) ونمره (۲۹) مینویسد

شمدی کیلان و کلین طرفلری بتون بتون ایرانلو تصرفنده اولدقلرندن ششقه فتحعلیشاهک

اوغلی محمد علی میرزانک مندلی و زهاب و بغداد طرفلرینه متولی اولدیغی وقتلر و بزرومنده لی

ایله خانقین آرالرنده واقع و شمدیکی حدودی نظرا ایله ایرانلونک قطعا دخی و تعرضلری

اولمیان برطاقم اراضی بسیطه جوارنده کائن خالی صحراوه معمور اولان نفس خانقین و بلده

روز و منکجه طرفلرینه قشلاق اوزره هر سنه قیش موسملرنده کلکده اولان سنجابی

عشیرتلری مذکور قشلاقلرینده و اراضی مخصوصه لری کبی چلوب بیلرنده قشلاق رسومنی

الوره ویررلر و بغداد ایالتی خزینه سنه برشی ویرمزلر اولمشلردر

فقط ذوله ذرد نام طاغک نهایت جنوبینه قریب ربعجلنده کائن چغا فقیره نام

محلدن چقوب سومار اوده سنک نهایتلرنده گلگیر چاینه قارشان و شوراب دیمکله

معروف اولان چای که سومار اوده سنک حد شمالیسیدر مذکور شوراب صوینک

طرف یمیننه ن کلال دام نام چاینک طرف یسارینه و شمالیه و جنوبیه طرفلری طاغلر له

محدود اولان صحرا ایه عجم تبعه سندن کلهر عشیرتنک شهبازی فرقه لرندن خالدی

دولت

دکله پارسا بیرلری کلوب و نقجه رسوم قشلاقیه المق اوزره بهار موسمنده

قیزلمرینک بهربور سندن بر راس قیون دخی قیش موسمنده هر بربورندن التی غروش نشدن

عبارت اوله رق اون قران اقچه الوب بغدادلی مال صندیغنه تادیه اولنور

بورسومک آلنمسی خصوصی ایرانلو دولت علیه یه تابع قره اولوس عشایرینک

بولنمسی سببیله در

و مذکور کلال دام چاینک طرف یمیننده نفت چاینک جانب یسارینه

قدر اولان دیشیوزخانه نک قشلاغنه کائن بولنان صحرالرینه شهبازی عشیرتی طایفه

لرندن شمدی اوچیوز خانه قدر نفوس کلوب قشلارلر و نفت چاینک جانب

یمیننده ن کیلان چاینک جانب یسارینه و خانقینه قزل رباطه قدر اکی یک

خانه عشایرک قشلاسنه کائن اولان صحاری یه شمدیلرده ینه عجمه تابع سنجابی

عشیرتندن بیک خانه قدر نفوس کلوب قشلارلر و محمد علی میرزانک زمانی سنجاغنی

ضبط ایلدیکی تاریخلردنبرو بونلرک هیچ بری بزم طرفه برکونه رسم ویرمیوب

بالاده بیان اولندیغی وجهه اوزره اشبو اراضی دولت علیه دن اولان محللرک

قشلاقلرینی بیلیرده بیلدکلری کبی ایجاره و استیجار ایدرلر

ترجمه فارسی بیانات فوق

حالا طرفهای گیلان و گلین بالتمام در تصرف ایرانیان است از وقتی که محمد علی میرزا

پسر فتحعلی شاه مغفور بطرف مندلیج و زهاب و بغداد مستولی شده است هر ساله عشیرت

سنجابی در موسم زمستان برای قشلامیشی بعضی صحاری خالیه کائنه در جوار اراضی

بسیطه که فیما بین مندلیج و خانقین واقع شده اند و ایرانیها نظر بتجدید دعاوی نیز

قطعاً دخل و تعرضی بآنجاها ندارند و همچنین بطرف آبادیهای نفس خانقین و بلدروز

و مندلیج [illegible] قشلاقات مزبوره را مثل اراضی مخصوصه خودشان دانسته

رسوم قشلاقانه از یکدیگر میگیرند و بایالت بغداد چیزی نمیدهند

فقط در صحرائی که مابین رود شوراب و سر ره کلال داغ و جنوباً و شمالاً با کوهها محدود است

(و رود شوراب مزبور در نزدیک منتهای جنوبی زونه زرد از چیغا فقیره نام محلی سرازیر آمده

در منتهای

در منتهای وادی صرمار باب گنگیر ملحق میشود و معروف برود شوراب و حد شمالی

وادی صرمار است) از طوایف عشیرت کلهر شهبازی تبعه ایران تیره خالدی و کلهر

و سایر که بالغ بر [illegible] خانه از هر رمه گوسفندشان بعنوان رسوم قشلاقیه در وقت بهار یک گوسفند

و در وقت زمستان ده قران نقد که معادل پنجاه غروش است اخذ و تسلیم صندوق مالیه [illegible]

میشود و اخذ شدن این رسوم هم بسبب بودن عشایر مرقومه از دسته تبعه عثمانیه در آنجاها است

و در صحاری واقعه در بین رود کلال داغ مزبور و سر ره رود خانه نفت که بقشلاق پنجاه خانوار

کافی است حالا نیز از طوایف عشیرت کلهر شهبازی قریب سیصد خانوار آمده قشلامیشی

مینمایند و در صحاری واقعه در بین رود خانه نفت و سر ره رود کیلان و آب خانقین و قزلرباط که

بقشلاق ده هزار خانوار عشیرت کافی است بعضی نیز از عشیرت سنجابی تبعه ایران بقدر هزار خانوار

نفوس آمده قشلامیشی مینمایند و از تاریخی که محمد علی میرزا سنجاق زهاب را ضبط کرده است بعد از آنها

هیچکدام بطرف عثمانیه هیچگونه رسمی نداده سهل است چنانکه در فوق ذکر شد قشلاقات

این محال را که از اراضی دولت علیه است در میان خودشان بدلخواه خویش

بیکدیگر ایجاد و استیجار رضایتنامه

محاکمه بیانات فوق

از بیانات مزبوره معلوم میشود که درویش پاشا تمامی مراتع و قشلاقات را که عشایر زهاب و کلهر ایران
در سرحد کرمانشاهان در ایام کوشش کلدی حل اربعه در سرحد و قبل از آن نیز اقلا از عهد محمد علی میرزای
مغفور باینطرف در تصرف داشته اند بسه قسمت کرده است

یکی زهاب که گفته است که در خارج حدود حالیه یعنی در خارج خط استاتوکوار سنه پنج تا خانقین
در میان آبادیهای خانقین و بعد رود سنه پنج و بعض صحاری خالیه واقعه در میان آنها و جوار
اراضی بسیطه است که او از اینها نیز نظر بحدود حالیه دخلی و تعرض بآنجا ندارند
مابقی را قرینه این قرار داده که دلیل است بر اینکه حدود حالیه بودن مابقی مزبوره را از آنکه
مدد قسمت کرده

یکی عبارت از اراضی واقعه در بین رود شوراب و سیاه کلال و دام و جزایر و دشتهای دیگر بلوکات
در حق این زمینهاست که هر ساله عشایر کلهر قشلاق مینمایند و بهره میبرند و مرتع
بهمن

بسند دق ماک سنه پنج پیدا شده و ضمناً تصریح کرده است که رود شوراب مزبور حد سابق
صورت بارت

دیگری عبارت از صحاری واقعه در بین رودخانه نفت و بین کلال دام و صحاری
واقعه در بین رودخانه نفت و بین رود کیلان تا خانقین و قزل رباط که از عهد
محمد علی میرزا تا حال در تصرف عشایر ایران است و هر ساله در آنجا قشلاق مینمودند و رسمی
با مالیات بغداد و عثمانیه نمیدهند

بنابراین قسمت اخیر یعنی درویش پاشا نظر بحدود حالیه نیز از اینها دخل و تعرض ... دارد
و خارج از حدود حالیه و از سنه پنج تا بعد رود خانقین در میان آبادیهای دهات مزبور
و اراضی خالیه مجاور آنها ممتد شده است بمدلول این بیانات حکم طبیعت
نمیتوان داشت که اراضی و مراتع واقعه در مغرب جبل نجمه جبل در مندلی ...
حالیه نیز درویش پاشا در ضمن این قسمت اشاره کرده است نمیتوان داشت که ...
رشته جبل نجمه و جبل در مندلی با مندلی و دیگری در مغرب رشته مزبوره از سنه پنج
تا بعد رود خانقین تصور نمود زیرا که رشته جبل نجمه و جبل در مندلی با جبل نفت و خانقین

درویش پاشا در ضمن قسمت سیم تصریح کرده است تمامی منابع رود خانهٔ نفت بر

رود گیلان و خانقین در قرا باطاقیه در تصرف عشایر ایران است و سکنهٔ رسمی آن بغداد

و عثمانیه نبوده هیچ وقت این قریه اثبات تصرف مستقلانهٔ عشایر ایران در سمت جنوبی مندلیجه

و حبیب فتنه و نجه تا التحاق تمامی شعب رود خانهٔ نفت بیکدیگر یعنی تا رسیدن آن به تنگه

معدن نفت و صحت خط استاتوقوئی را در ضمن نتیجه تا رود الوند بیان نموده ام

کفایت است

ایضا درویش پاشا در سیاحت نامهٔ خود صفحه چهل و نه چنین می‌نویسد

۲ ذی الحجه سنه ۱۲۸۱ تاریخیله مقام جلیل نظارت خارجیه یه تقدیم اولنان تقریر عرضیه

ده بسط و بیان اولندیغی وجهله ده که نیزه ده دخی ایما قلندیغی وجهله شهرزور صحراسی ایله اورامان

طاغی سلسله سنک شهرزور صحراسنه ناظر اولان یوزلرینک اراضیه بولنوب الیوم

تصرف ایرانیه ده اولان اون بر قطعه قریهٔ شهرزورک دیگر قریه لریله قضا قریه لری گبی

مخلط

مخلط بولنمش و نص معاهده دن بو قریه لرک عهد اقتضا ظهرده قالدقلری لایقیله اکلاشیله

مامش و حالبوکه مذکور اورامان طاغنک هیئت وضعیه سنه ده بتین بیننده تعیین اولنه جق

حدود وجه رعایتی ایجاب ایدن قاعده تحفظ طرفین لرزمنه باقیلورسه ظلم قلعه سنه ناظر اولان

اطرافیله سیروان نهرینه قدر اکی اوچ ساعتلک مسافه ممتد اولان قطعه سنک عربجه

یوزلرینک کافه سی طرف سلطنت سنیه ده قالمق اقتضا ایدرسه ده مزبور اون بری

پاره قریه نک ایرانلو تصرفنده بولنملری عهود کشر ربطجه سیدر یوخسه دیگر بعض محللر کبی

تغلبا می تصرف لرینه گچمشدر بورالری کیمسه دن اوکره نیله میوب تحقیقات وقعه آره نیده

هرکس ادنه و نیرو قراء مزبوره نک ایرانلو نک تصرفنده گورمش و آنلر که رویت ایلدیگنی

خبر ویرمش

ترجمهٔ فارسی بیانات فوق

بتقراریکه در ضمن یک فقره اعراضیه مورخهٔ دوم ذیحجه سنه ۱۲۸۱ انفاذی بمقام جلیل نظارت خارجه

بسط و بیان و در بند فوق نیز اشاره شده است یازده قطعه دهاتیکه در سلسله کوه اورامان مقابل صحرای

شهرزور و جهات ناظر بصحرای شهرزور در سلسلهٔ مزبوره واقع و الیوم در تصرف ایرانیان است

با سایر دهات شهرزور مانند دهات یک محال مخلوط بهم واقع شد از فحص معاینه
کما ینبغی معلوم نمیشود که دهات مزبوره عهداً بکدام طرف متعلق است و حال آنکه اگر
بهیئت وضعیه کوه اورامان و لزوم قاعده تحفظ طرفین که در تعیین حدود بین الدولتین
رعایت آن از واجبات است ملاحظه نمائیم لازم می آید جانب غربی یک قطعه کوه مزبور
که مواقع ناظر بظلم قلعه ازنیسله مزبوره با نضمام جهات غربیه یکقطعه کوه مزبور تا رود
سیروان بقدر دو سه ساعت ممتد شده است کاملاً بطرف دولت عثمانیه باشد معهذا
تحقیق اینکه متصرف بودن ایرانیها بهفده قریه مزبوره آیا بحسب عهود و شرطهاست یا جبر
مثل بعضی جاهای دیگر تغلباً متصرف شده اند میسر نشد زیرا از هر کس جویا شدیم گفتند
من القدیم دهات مزبوره را در تصرف ایرانیها دیده ایم و شنیده ایم که مال ایرانیهاست

ایضاً درویش پاشا در صفحه پنجاه و دو بند چهل و یک سیاحت نامه خود مینویسد

قزلجه نک شمدیکی حدودی نیه مذکور بورن کدیکندن بدأ ایله کچی پیران دکلن باده سار
نام کدکلردن باده سوته قریه سنده واقع بولاق باشنه کلوب اورادن مزبور بولاق
صویک مجراسیله قزلجه چاینه و اورادن قزلجه صویله خلیل آباد قریه سندن

کلوب

کلوب نیه قزلجه چاینه منصب اولان اوق صویه و اندن مزبور صویک مجراسیله باش
یوقاری کول سرکشته طاغنه و اروب اندن مریوانله ترا تول بیننده واقع هزار
ماله طاغی ذروه سندن ونوخوان کدوکندن و دیولستان دکوه رش طاغلرندن
وه پلولکان بوغازندن وکانی دزدان کدکیندن بردهٔ کچی طاغنه واروب اندن عهد
عهد قریه کلنجیه قدر قزلجه یه تابع ایکن الیوم بانه لی حسین بک اوغلی احمد نام کمسنه نک
تصرفنده اولان چمپارا و قریه سیله حالا قزلجه یه ملحق سیاه کوز قریه سی بیننده ن
بالمرور بانه محالی ایله سلیمانیه یه تابع سیول قضاسی بیننده کائن سورکیو نام طاغنه
پیوسته اولور

ترجمه فارسی عبارت فوق

حدود حالیهٔ قزلجه باز از گردنه مذکور بورین ابتدا کرده از گردنه های موسوم بگچی پیران
و دکل باده سار بر چشمه واقعه در قریهٔ باده سوته رسیده بواسطه مجرای چشمه مزبوره برود خانه
قزلجه و از آنجا با مجرای آب قزلجه بمجرای آب باریکی میرسد که از قریهٔ خلیل آباد جاری

و منصب برود قزلجه میشود و با مجرای آب باریک مذکور سرابالا رفته بکوه کول سرشان (یا سرشیش)
رسیده و از آنجا بکوه هزارماله که فیمابین مریوان و طره طول واقع است و در روی گرده زریوان
و کوه دیولستان و گرته رش و گردنه دلپوسکان (دلپلکان) و گردنه کانی دزدان
و بکوه برد کچی رسیده از مابین قریه سیاه کویز که حالا تابع قزلجه و قریه چمپاراو که تا این
عهد قریب تابع قزلجه بوده والیوم در تصرف احمد بیک پسر حسین بیک بانه ایست مرور
بکوه معروف بسور کیو که فیمابین محال بانه و محال سیول تابع محال سلیمانیه است میرسد

ایضاً درویش پاشا در سیاحت نامه خود بند چهاردهم صفحه پنجاه و دو مینویسد

قزلجه و طره طول قضالرینک حدود قریه سی داخلنده بولنوب الیوم ایرانلونک زیر دخل
و تعرضنده اولان قرانک اسملری زیرده بیان اولنور

ترجمه فارسی آن با اسامی دهات

تفصیل اسامی دهاتی که داخل حدود قریه قزلجه و طره طول بوده والیوم در زیر دخل و تعرض
ایرانیه است بقرار ذیل است

قراء قزلجه

قراء قزلجه

قریه باوه	قریه سعدآباد علیا	قریه سعدآباد سفلی	قریه چاپدره	قریه سره شش
قریه لنیه	قریه [illegible] سفلی ([illegible])	قریه میرآباد	قریه بتلوه	قریه نجر
قریه دره دوران	قریه انجیران	قریه کاکل	قریه سیف علیا	قریه تولیه
قریه سرلیه دراز	قریه خانم علیا	قریه خانم سفلی	قریه حلوزه	قریه کیلگان (یا خوتکانی میران)
قریه جزی آباد	قریه میران	قریه سیول	قریه نباره سوته	قریه لوزه
قریه چم بازاو				

[illegible] صفحه (٥٧)

قراء طره طول

قریه ساوجی	قریه قرخ	قریه قاراداو

ایضاً درویش پاشا در ضمیمه نمره چهارده و چهل دو صفحه ٥٣ و صفحه (٥٧)
شرحی در باب دهات مزبوره نوشته که خلاصه ترجمه آن اینست

قریه باوه سعدآباد علیا و سفلی و چاپدره و کان میران نام دیگری (کیلگان) و لنیه
و سره شش به الیاس آقا چه سکاران سلیمان پاشا متعلق است باشتراک اولاد
سلیمان پاشای بابان متوفی

(۲) قریهٔ امیرآباد مخصوص الیاس آقا است بغیر از لیو دسروش ساکنین سایر دهات منفصله
اهل ایران است فقط از محصول زراعتشان پنج یک به ارباب میدهند سایر
مالشان را بحکومت مریوان ایران میدهند چون ۱۴۱ لیو دسروش تبعه
عثمانیه است یک عشر بمریوان میدهند نیم عشر بمالک ده بی قیر انبهر زور

(۳) قریهٔ خانم تفعه در قرب موقع قلعه خرابه خاو معمور شده با قریه خانم عبا در تصرف شیخ عزیز
نظرزاده است از این دو قریه ایرانی تنها مالی بیگ میدهند و عشرشان ثلث محصول است جفتشان
نصف ثلثوکشان را شیخ عمر میگیرد باقی عائد رعیت میشود

(۴) قرای بسیلو و نجی و دوره و دراز و بنجیران و کاکل و سیف عیل و توله و بیرکه و دراز
و خوزه اگرچه مابین حدود عالیه و حدود قرمیه واقع شده ولی محل در حکومت
مریوان است از طرف عثمانیه دخل و تعرض نمیشود

(۵) قریهٔ ... آباد از مضافات قضاء مزبور مخصوص اولاد الیاس آقاست و قریهٔ
قاراوه ... از توابع قضاء طره طول در تملک اولاد سلیمان پاشاست

وزارعین

وزارعین اینها که تبعه عثمانیه است اولاد الیاس آقا ثلث میگیرند و از زارعین ایران
اولاد سلیمان پاشا نصف عشر میگیرند علاوه بر آن حکومت ایرانیه نیز از محصول آنها
یک عشر میگیرند

(۶) قریهٔ قارزاوا هم در وقت کوچ و کلهر خراب بوده گفتند این چهار قریه را سلاطین ایران
کرکیا شاه عباس پاشا برحسب فرمان شیخ محمد رسیم نام که از سلسلهٔ جلال زاده است
تملیکاً داده است بعد با ان سلیمان پاشا آنها را تابع و ضبط نمود آورد با الیاس آقا تملیک دیاهی را
برای نگاهداری کرده اکنون در تصرف اولاد آنها است

(۷) قریهٔ شکول و پیران را رعیت سلیمانیه زراعت میکنند عشرشان را بحکومت ایران
و مالیاتشان را مراتب محل ... با سلیمانیه میدهند

(۸) قریهٔ کوزه و مزرعهٔ خلیل آباد تابع قریهٔ سود از طرف مریوان ادعا می شده است
وقت مرور ما خراب بودند

(۹) قریهٔ باده ... را خسروخان والی به برمزار آقا نام تملیکاً داده از آن وقت
تا حال جزو سلیمانیه است

(۱۰) قریهٔ چم باراو هم مدتی است از طرف عثمانیه مداخله میشود و متصرفین آنجا هم از اینکه آنجا تبع
عثمانیه است با ایرانیه هم چیزی نمیدهند

(۱۱) قریتین انجنه و هزار خانی که مستقلاً در تصرف اولاد سلیمان پاشا و قریتین دره زیان
و دوسیران که مشترک مابین اولاد سلیمان پاشا و اولاد الیاس آقا است فقط
بیست یک از محصولات این چهار قریه گرفته و تمامی سایر مخارجات آن با ایرانیها
عاید میشود

محاکمهٔ کلیهٔ بیانات فوق

از اینکه مأمورین دولت علیه ایران خواه دیگر در مجالس و تحریرات مختلط اسلامبول ربای
ارزاماں هر وقت بیان فرموده و خطرا در همین سیران از زهاب بره تا طرطیه با هدر اسناد
داده و از جمیع و بهم فیمابین با هدر سیران را جزو ارزاماں محسوب داشته و همچنین
از طرطیه تا کوه جیغان از کمر غربی کوه ارزاماں از زیان دره بلخه و غیره و غیره که از آنها
تا دروه هزار خانی پشت سیدان رکرده و خوان رسانده و تحقیقات و بیانات

و بیانات مذکورهٔ فوق درویش پاشا بهمین خط عیناً مانع شیئی زاید تصدیق کرده و تصریح است
بانکه هفده قریه در سمت غربی سلسله کوه بلند شاهو مشرف بصحرای شهرزور در ورف کردش
حدود و سالها قبل از آن نیز در تصرف و در اختیار ایرانیها بوده و در قلمی عثمانیه نداشته است
بنابراین از روی تحقیق و اعتراف مدعی ثابت میشود که خط مزبور بهمه جهة مطابق فصل
سیم عهدنامه اخیره و دهات مزبوره بحکم فصل مزبور یعنی بحکم استاتو قو ملک
طلق دولت علیه ایران است

ایضاً درویش پاشا در سیاحت نامه خود بند چهل و نه در صفحه
شصت و سه مینویسد

بالاده بیان اولنان حدود قدیمه‌نک داخلنده قالان بونه محالی قضه دولت ممالکندن
اولدیغی بو ایل تفحص اولندیغی صره‌ده بونک ممالک محروسه‌دن ایکن متأخراً ایرانلو
ضبطنه کچدیکی چوق کمسه‌دن ایشیدلمش ایسه‌ده نفس بونه قریه‌نده وجوارده ساکن اهل
وقوف معتبر انلردن لدی السؤال محلی مزبور دتنده ایران ممالکندن اوله رق فقط بعض قلعه‌ده
بابان پاشالری طرفلرندن ضبط اولنوب مأمور اقعاد اولندیغی قوعی دارد

دیو خبر ویرلمش و حقیقت حال دخی بو بیله اولوب اثنای مسئله‌ده دولت علیه ممالکندن زور ایله

خوی و اورمی و تبریز و همدان و بروجرد و طارم علیا و سفلی و سلطانیه و زنجان و دنبلرک عموم

دولت علیه ایران ممالکندن اولوب بو جهتله فتح و تسخیر اولنه‌رق دخی حوزه تصرف دولت علیه‌یه

اولدقلری وقتلرده محل مزبور یعنی بانه دخی ضبط اولنمش اولدیغندن و اما مسئله‌سی

اولنه‌رق بو طرفه سبب و زعملرینی زیاده ایدرکندن شمدی ارائه‌لان حدود اولو

اولمق طبیعی ممالک دولت علیه‌دن دیلکده اولدیغی ظاهر [illegible] شو بیله که مذکور بانه

ممالک دولت علیه‌دن دیلردن حدود [illegible] اولنه [illegible] ملاحظه و قیلانتو

سنور باشیدر دیو جواب ویرلشدر ملاحظه و قیلانتونک [illegible] حدود اولمسی ایسه

همدان و اورمی و تبریز و سایر ممالک ایرانیه‌نک فتح و تسخیرلری و عهد [illegible] بو طرفده

القا اولنه‌قلری صره‌ده اولدیغی درکاردر

بند پنجاهم

بانه کیفیتی هر نقدر اولیه ایسه‌ده بروجه محرر [illegible] بر تاج [illegible] تصرف دولت علیه‌یه کچمش

ده ده

و حدود اوزرنده نازک بر حالده بولنمش اولمسی جهتیله الده بولنمسنده بر گونه فایده اوله‌میه‌جغندن طبیعت زمانک مساعده‌سنه نظرا طرف دولت علیه‌دن [illegible]

ترجمه بند چهل و نهم مزبور

ممالک بانه که در دایره حدود قریه مذکوره در فوق بانه اگرچه در خصوص تفحص حالت اینجا که

از ممالک کدام طرف است [illegible] نشده اما که از ممالک دولت علیه ایران بوده و بزور

بضبط ایرانیه گذشته است ولی وقت سؤال از معتبران و اهالی وقوف ساکنین نفس

قریه بانه و جوار آن جواب داده‌اند که محل مزبور در واقع از ممالک ایران است

از طرف پاشایان بابان ضبط و اتفاقا مرور در آنجا شده است و حقیقت حال هم چنانکه ظاهر گردید

بهمین منوال است و در اثنای [illegible] از ممالک عثمانیه معدود شدن اینجا از جمله

با وقتی است که خوی و ارومی و تبریز و همدان و بروجرد و طارم علیا و سفلی و سلطانیه و زنجان

با تمامی توابع و چندین جاهای دیگر نیز فتح و تسخیر و داخل حوزه تصرف

دولت عثمانیه بوده است محل مزبور یعنی بانه نیز ضبط شده بود و از اینکه [illegible]

سُنّی مذهب و بطرف عثمانیه زیاد مایل در اغلب اشعه بعض اینکه خلاصه سرحد که حالا قسمی شده

سرحد یام زبوره است که گشته اند از ممالک دولت عثمانیه است چنانکه از اسامی دهات گشته شده

از ممالک عثمانیه است هرچه پیشتر الیه سرحد که با است که گشته حد مجرد و قسمت شده

(یعنی حد مجرد و تا قلعه کوه) راس سرحد است واضح است در این صورت بطلان مجرد

و تا قلعه کوه در حرکت فتح و تسخیر بهران و اردی و تبریز و سایر ممالک ایرانیه مجهول بوده اصلاً

در تصرف اینطرف بوده لاغیر

ترجمه بند پنجم مزبور

هرچند کیفیت با بقرار مسطور فوق است و این ممالک را چند دفعه بتصرف [illegible] عثمانیه

گذشته است و یک موقع نازک است در راس سرحد و در دست داشتن آنها بتصرف

بی فواید خواهد بود علیهذا بعد ملاحظه مدت طبیعت زمین لازم است در اطراف عثمانیه [illegible] شود

ملاحظه بیانات فوق

هرچند درویش پاشا مرحوم شاهانه در گردش و تعدی [illegible] در همه دوره سرحد [illegible] تحقیقاتی که در داشته است

نتیجه

با ملا درصدد تعیین حدود بی غرضانه خود بوده و بهمین جهة در ضمن بیانات نامه خود سعی کرده است

که حتی الامکان از حرکات سرحدیه اینطرف که حاضر ادعای ما نیز در تصرف اینطرف بوده است

به اضافه سرحد قریه سلطان مرادی برای دولت عثمانیه ادعا نماید در حال [illegible] نامه مزبوره

خود احمد وجودی دارد و نه برای که دست که زیر تحت دست و مجرا [illegible] است

قطعه و خطی از بابت حدود اینطرف ها در ضمن آن مندرج است و نه اگر هم وجود داشته است

و حاوی نقاط مسلمه بود اهمیتی بود معتبر وقتی اشخاص [illegible] است بجهة زیرا فصل دوم و سوم عهدنامه

اخیره ارضروم بای احکام حدود عهدنامه مزبوره و سایر عهدنامه جات گذشته را

کافة و کلیة فسخ کرده اینکه نه اعتباری برای آنها در حق سرحد باقی مانده است) و بهمین جهة

در ایام گردش سرحد بخیال ادعای بعضی جاهای مذکور بنا اقدام بعد از حرکت [illegible] در شهر

[illegible] عقب مانده و حالا راجع و نظم تکلیف باعتراف مقصود خود [illegible] بود

ولی بقرار دیگر از بیانات فوق خودش بند (۹ ۳) معلوم میشود نتیجه بعکس مقصود او حاصل

شده است با بیانات مزبوره اولی و ولی کافی است

هم بر لطمه لوحهای دو ورق ببرک باشد هم بخصوص ملکیت باید با ایران و هم با انگلیس

مقصود درویش پاشا مأمور عثمانی در ۱۲۶۷ گردش دو باره کمیسیون حل شده در سرحدات

اینکه نه عهد و شرطی نبوده مگر اینکه خود اختیار داده بخواه خویش خط سرحدی انتخاب و تعیین کرده

رئیس علیه‌السلام را گرفتار مباحثات مذهبی مخالفت و لجاجت نموده باشد

اطلاع

بمناسبت مقام صدارت فوری شیخ به دهات سلیمان آقای بابان واقعه در

حدود کردستان است و مرحوم معتمد الدوله برای دولت علیه خریداری

کرده است اینک ذیلاً برای اطلاع انجناب جلالتمآب اجل اکرم ارسال میشود

که از حالت آنجاها انها مسبوق بوده مراقبت لازمه را در اجرای آنجاها

ملاحظه شد

صورت فرد مزبور

تشخیص دهات ازملاک سلیمان آقا زاده و ملا الیاس آقا در مریوان کردستان

انچه سکنه آن تبعه ایران است

قره لیر	دره بایوه	سعد آباد	کانی سیران	چالدو
۲ دانگ	۲ دانگ	۲ دانگ	۲ دانگ	۲ دانگ
مزرعه لولان	داسیران	سعد آباد دشت	حلوزه	گویزه کویره
۲ دانگ	۳ دانگ	۳ دانگ	۳ دانگ	۲ دانگ

انچه سکنه آن تبعه عثمانی و املاک خاک مریوان است و متصرف حکومت

کنا بقرار ملکی خاک دولت است بابت ملک را مریوان و بهای عشیره تاراج

میرزا به بقرار قسمت از خود سلیمان آقا زرشته میشود

انچه بقرار قباله مریوان اینها فروخته است بتاریخ رجب ۱۲۸۵ بموجب تشخیص رقیمه

مرحوم حاجی معتمد الدوله

داسیران (یا داودسیران)	خاوه	حلوزه	بابامیر
۳ دانگ	۳ دانگ	۳ دانگ	۳ دانگ
گویزه کویره	نرتان	ساوجی	چالدو
۳ دانگ	۲ دانگ	۲ دانگ	۲ دانگ

شاه آباد

ربیع شعبان

در ایران

اما موارد و ملاحظات راجعه به بعض بلوکات

در صفحه فوق

اول

مسئله آب گیر بجاره یعنی آب صومار است در کار با بین اهالی مندلیج و خوانین

کلهر منصوری مذاکره شده جزو شیوه تعصبی ان بر تیغ قرار است

بلوک ایوان در یکی از بلوکات معتبره کرمانشاهان و مشتمل بر دهات و مزارع کلهر

منصوری و مخصوص نشیمن آنها است عبارت از دره طولانی و منابع رودخانه

معروف به گنگیر است در رودخانه مزبور از میان دره مزبوره و کوهستانی عبور است(؟)

و آخر از اراضی قریه صومار و چشمه گاه بهره از مزارع ایوان و در قرب مندلیج

گذشته از بعضی رودخانه صومار نیز تقسیم شده با بطه(؟) مشهور معروف به نام گنگیر یعنی

تنگ ... جبل الدم بصحرای مندلیج بیرون میرود چندین سال است اهالی مندلیج

... مصرف استفاده ... مزرعه صومار و تمامی آب رودخانه مزبور را از سال ...

علی کرده

علی کرده از خوانین ایوان اجاره نموده و آب مزبور در مزرعه مزبوره زراعتی کرده برای

شرب نخلستان باغات و مزارع قرب لالی مندلیج میبرند چند سال است که در این

مزبوره گاهی طفره و تعللی میشود و گاهی میخواهند وجه اجاره را کم کنند و اهالی ایوان

بالطبع بکشت و زرع اراضی صومار و غیره و صرف آب رودخانه در آنجا شروع کرده یعنی بوجب

آن دعاوی و شکایت اهالی مندلیج گردیده و نظر با چنین دعاوی می کنند در کنار ایوانیها حقابه

آنها را منقطع داشته است و حال آنکه حقابه از رودخانه صومار ... که با مزرعه صومار

اجاره گردیده ... منافع ایوانی با آنها از مقوله منع حقابه آنها نیست بلکه از مقوله دفاع

حق مسلمی خودشان است در سبب اختلاف در مبلغ وجه اجاره یا طفره مندلیجی از ادای وجه

اجاره مزبوره ایوانیها مجبور به زراعت اراضی خود و صرف و استهلاک آب صومار در مزارع

صومار در مزرعه صومار و داخله خاک ایوان گردیده است بالجمله از یک طرف اینگونه

شکایتهای متوالی اهالی مندلیج و کشف نشدن حقیقت مسئله در نظر اولیای امور دولت از طرف دیگر

سستی خوانین ایوان در دفاع حقوق خود بسبب نفاقی که غالبا با هم ... ایوانی از حیات(؟) ...

اینکه از حق صحیح خود صرف‌نظر کرده‌اند منبع آب [illegible] معتاد [illegible] حقوق خویش را اتفاق

داشته‌اند با یکدیگر کار را منضبط [illegible] نموده [illegible] تا حال وجه اجاره را به [illegible]

سیصد یا کمتر ریال بپردازند [illegible] است دیگر اجاره‌نامه [illegible] بپردازند [illegible] برای

مطابق وجه مزبور [illegible] اختصاص [illegible] مملکت ایران [illegible] عوض آن [illegible]

که در منبع [illegible] آوردن [illegible] نوشته [illegible] مزرعه [illegible] آب آن را [illegible]

مبلغ [illegible] منبع اجاره [illegible] برای [illegible]

[illegible] آنچه نوشته [illegible] بعنوان [illegible]

[illegible] آب [illegible] وجه اجاره [illegible]

و مزارع خود منبع [illegible]

نظر بمقاصد مزبوره مراقبت [illegible] لازم است [illegible] منبع [illegible]

یک حق [illegible] برای [illegible] باجازت [illegible] آب [illegible]

با اجاره دادن [illegible] و در صورت اجاره [illegible]

بدون اجاره‌نامه معتبره برای اعضای مجلس منبع نبوده‌اند زیرا که فقط اجاره‌نامه [illegible] منبع

[illegible] برای دقایق حقوق مملکت ایران در حق آب و مزارع [illegible] برای

مطابق وجه اجاره مزبوره [illegible] طرفین [illegible] توانند

اگر چه [illegible] اعضای مجلس منبع در دفتر وزارت خارجه ضبط

و ثبت [illegible] سندی است [illegible] منبع [illegible] اعضای مجلس منبع بعنوان اجاره‌نامه [illegible]

سپرده باشند [illegible] باشد [illegible] صرف [illegible] خود

در صفحه (۱۲۶) در ذیل تقسیم آب [illegible] که [illegible] منبع [illegible]

پانزده هزار [illegible] (سیصد تومان) در عوض منافع آب [illegible]

[illegible] اطمینان [illegible] حقوق [illegible] در حق

آب مزبور نمیتوان تقاضا نمود زیرا که ممکن است [illegible] زمان صرف [illegible] آب مزبور

در منبع [illegible] یک نوع حق برای [illegible] در صورت

عدم قبض اجاره [illegible] منع آب مزبور از منبع [illegible]

بلکه غیر قابل اجرا هم بشود البته ایجاب جلب رضایت اکثر منفعت این ملکات بعد برگزار (اجرا می)

در برای اصلاح این معایب دو قاعده حقوق و ریاست علیه در حق آب مزبور دلگفا هوای مزارع

صدها در تحت تصرف اینطرف حقا تصرف زمین و هر شبه مدد و ابطه یا لوابطه اجاره (آخر)

با اهالی منیریج و نصف اجاره نامه بهره تای انحصاری مجلس ایجاد و تجدید اجاره نامه در سال

و غیره و غیره بهره کمی در مناسب دانسته پیش نهاد و مرقومات آن را با مردم جمهور (قرضه)

وقت برای روش قاعده منظور خواهد فرمود

و در صورت اقتضا قرار اجاره و استیجار آن را تنها بعهده کفایت [illegible] جزائی اوان

مفوض داشته در هر حال تقویت صوری یا معنوی در حق آنها خواهد نمود در حق اهالی [illegible]

در معامله مزبوره منظور و معهود را با اهالی منیریج نشوند

و اهالی را در ریاست کی و لزومی تحقیق شخص نمایند در اینصرف و رایت یا اولاد در اجاره

دادن آب مزبور با اهالی منیریج یا لنگر اجاره [illegible] و چشم از دوله و فیاد منیریج

و نتایج محمله [illegible] پوشیده انیا خودشان در خاک ملکه زراعت بنمایند

رعایت

آیا در این صورت صرفه و غبطه بجانب حکمرانی خود به بود و نتایج فرضی زارع در دوام اجاره بسیار مهمی

خواهد شد یا خیر خبرانی ما به قدر تشکیلات هست یا به بعض نتایج بود آن هم خوش

رای خود را در اینخصوص با وزارت جلیله هم اطلاع خواهند داد

دویم

مسئله در زمینه نظر به واحداث حصار نمودن نسیم شهری برای امکان زراعت در اراضی

رحم الله [illegible] بر دو خانه و آغاز کشت و زرع نمودن در زمینه نظر علمای

که حصار مزبوره آغاز و مبدل بقرار و نفی نشده و تمامی اینها هم از جمله احداثات است

قریب بیست سال بعد از گردش و کهنه گی حال اربعه در سرحد بطرف است تو تو در اطراف

مد نظر و احداثات نموده اند و در تحت پرورش تصرفی اینها و ریاست علیه است نسیم شهری

که مستعمل قرانتین خانقین بود و قرانتین مزبور هم نیز احداث چند سال بعد از گردش

و کهنه گی حال اربعه در سرحد است ابتدائی بنای زراعت مشهوری در سال [illegible] رحمه الله

نمود چون [illegible] بار ها کار بود کسی ز اینطرف اعتنا نمود بعد از آنکه اندک اطمینانی

از عدم ممانعت اینطرف حاجی گردش بیگ روسی اینجا بار را هم خیابان قطع نموده بعضی از زراعت

حصاری و احداث نهری بعضی جای از یک رود الوند نموده و بوزینه این طرف مانع شده بود را

اینها شده عاید بر نزد هم شقت خط خود کردید حصار مزبور را خراب نموده بود که

همچنین بی تکلیف گذراینده ولی باز هم باره فرصت جسته حصار مزبور را تعمیر و قراول

از غلانیه در آنجا اسکان نموده در دره نظر علی و نزدیک بآنجا و جای زراعت دیم

شروع به مرمت کاری نموده بود که بمباشره آن در میان [illegible] و تعمیر شدن کانی بز

بران و جانب پرونستی دولت علیه در حق احداثات مزبوره گردیده

اخیرا مابین اولیای دولت علیه و سفارت کبرای عثمانیه قرار تعیین مامور طرفین

در سه که مراتب شده سفارت کبری منتظر جواب بالا است این در جواب رد

از بالا رسیده چگونگی بجناب جلالتماب اجل اکرم اعظم [illegible]

دولت علیه در حق این گونه مواد در صورت رعایت قواعد [illegible]

سیم

شده کانی بز بپاره اخری (کنده بز) است در ستره جانب الدوقش ضمیمه شده دره نظر علی و جزیره

عنوان واجب مباحثه طرفین شده تفصیل آن در ذیل قرار است

کانی بز یا کنده بز اسم سرچشمه است در جانب شمال غربی ساعتی شش که وقت فیضان آبها

آب آن نیز رو بمغرب شمال جاری و بواسطه دره مزبوره بخاک شیخ شفیع خان واقعه در شمال

باغچه کرجاک از طرف یسار وارد رود الوند میشود که از این آب زراعت برخواسته [illegible]

بانطرف جاری و از وسط خانقین بسمت دیاله میگذرد اغلب تابستانها آب کانی بز خشک شده

برود الوند نمیرسد فاصله منبع و مجرای آن تا دره نظر علی راهی از یک فرسخ و [illegible]

اجزاء دره نظر علی است زیرا اگر تسلط بانجام تصرف چشمه مذکور باشد [illegible] تلف شده

بآن نمی توانند برد

در ایام گردش [illegible] دوله در سنه [illegible] بواسطه غلانیه [illegible]

[illegible] دره نظر علی [illegible] تصرفات [illegible] در کانی بز هم [illegible]

زراعت دیمی [illegible] احداث قراول خانه نیز نموده اند [illegible]

بانضمام مرتع قراولی‌ها و نیسم یهودی یک مقاطعه قلمرو ایرانیه مقاطعه کانی را تسلیم نموده اکراد آنها
اسباب مخاطره و نقص از دره نظرعلی قرار بدهند ولی از اینکه مراد و منظور از کانی بزرگ گفته
در خاک کرد ایشان و اراضی صحرای ایلغی یعنی در جزو اراضی واقعه در شرق جبل باغچه در حرب ایستاده‌اند
با دره نظرعلی در حکم واحد است بر این جهت دولتین علیه واحد اثبات واقعه در اراضی
صحرا را به یک حکم و منافی است تو و متعهد به یک عنوان داخل مباحثات جاریه
بین الدولتین نموده‌اند اینجا در اغلب الفاظ رجحان جلوه نموده است در کنار دره نظرعلی
و کانی بزرگ بلکه مرتع قراولی‌ها و حصار را حدود نیسم یهودی هر سه از الفاظ مترادف و مقصود از ایشان
محل واحد معین است و حال آنکه چنان نیست و هر یک محلی جداگانه و دارای نام دیگر و ما
هر سه در تحت حکم واحد و داخل تحت پروتستو دولت علیه ایران شده و بهمین جهت
هنگام اجرای تحقیقات لازمه در حق دیگری نیز باید بعمل آید زیرا قرار تعیین
مأمور برای رسیدگی اثبات دره نظرعلی یا کانی بزرگ است

چهارم

مسئله راجعه به معدن نفت مندلیج و اراضی و مراتع واقعه در حوالی منابع رودخانه نفت است
چنانکه اجمالاً در ضمن شرح فقره مراتع قشلاقیه بولکات مذکور شد از آنکه اشاره شد از قصه قرینه
صد سال پیش تر غربا دره رودخانه در جهت ... گرفته تا دهنه تنگه رودخانه
نفت یعنی تنگه رودخانه مزبوره بواسطه آن تنگه از رشته جبل نفت و صحرای عربی
سمت مندلیج بر پهن می‌رسد تمامی اراضی و مراتع این نقطه در رشته جبل الله‌مراد از تنگه رودخانه
نفت تا صد سال که تقریباً از نیم از بیست فرسخ مربع متجاوز است چنانکه مرحوم میرزا ... ضبط کرده
بانضمام چشمه‌ای سمت شرقی معدن نفت جزو ... است تو و متعلق بدولت علیه ایران است
مأمورین دولت علیه نیز در مجلس کمیسیون مختلط دول اربعه در ۱۲۶۵ مسبق داخل حدود دولت علیه
ایران قلمداد نموده است ولی از رونق کار و بعض قراین سایره و مدلول برخی از ... بالطبع معلوم
و در این چند سال گذشته بین الطرفین در دور ... وغیره قاطعی شده است و بعضی از بعض
اظهارات اغماض ... در حق ... نموده است چنین استنباط میشود که تمامی اراضی

مزبوره با اغنی با نظام تمامی چشمه های معدن نفت متدرجاً بتصرف عثمانیه گذشته کلی ضعیف

و در صده عرض شده یا عمداً سکوت و اغماض کرده اند و حال در رشته مطلبی وارد نیست

در وسیله تعاقب فکر نبود و حقیقی بسی مختصر است و اگر تعاقب هم بکنیم سرحدداران

خوانان یا برای اصلاح خطای خودشان یا بهر ملاحظه مختصر در تصور نبود خیلی در همه جاها باز

اندک نمونه اش مشهود شده خواهند گفت از القدیم ملک خاک عثمانیه و در تصرف عثمانیها بوده

یعنی در مراتع مزبوره آنچه در سمت جنوب باغچه یا در شرق آن در جنوب کانی ناز با جبل نفت

منقطع و در رأس صدها یا در قرب صدها واقع است یک قطار رقطاری است

که در خود جنوب باغچه است دیگری نا کنده است و در شرق جنوب باغچه و جنوب کانی ناز

باز است آب باریک هم وارد دیگری دشت آب تنگیان است و در شرق

جنوب باغچه و جنوب نا کنده و میان رهوخانه نفت است دیگری در دو جا است

در جنوب شرقی آب تنگیان و میان رهوخانه نفت و شرق سلسله جنوب جنوب باغچه است

بیچ ان دشت بجفار رخ است و در شرق جنوب کوچک باغچه و شمال کانی ناز است

اگر حالت این مراتع معلوم شود که امروز در تصرف کدام طرف است حالت تمه

مراتع مزبوره نیز که در شرق اینها و بالنسبه در سمت داخله دولت علیه است بقیاس

و قرینه معلوم می توان شد

علیهذا انسب اینکه آنجناب جلالتمآب جناب اکرم متقدماً حالت مراتع مرقومه در فوق را

از مردمان آگاه معتبر تحقیق فرموده چگونگی را باولیای دولت علیه اطلاع بدهند

و بعد حالت تمه اراضی و مراتع واقعه در میان منابع رهوخانه نفت و همچنین حالت

اراضی واقعه در بین رهوخانه مزبوره را (یعنی شرق آنرا) تا مغرب دره رهوخانه

ایران رسیده که فرموده با عقاید خاصه خود در باب حفظ حقوق دولت علیه

در حق اینها مفصلاً مرقوم دارند تا بمقتضای آن اولیای دولت علیه نیز مسلک

مستقیمی در اینجا بتوانند پیشنهاد نمایند

ثالثاً

از جمله امور مهمه یکی هم امنیت راهها و کمپانی طرق و شوارع است که قوافل و تجار

داخله و خارجه و عموم مترددین دو طرفین علی الخصوص زوار مشاهد متبرکه ائمه طاهرین
علیهم السلام بکمال امنیت و آسودگی تردد نمایند

عموم سرحدداران دولت علیه باید اشخاص کافی و درستکار باشند و تکلیف
ایشان این است که همیشه بتمهید دواعی مزید ائتلاف دولتین و رعایت عهود
و شروط طرفین و امنیت مترددین و ابقاء مآثر حسنه و حفظ جوار و رفع فتنه اهتمام کافی
نموده نگذارند هیچگونه منافی این ملاحظات بعمل آید و با رعایت ملاحظه اطراف
چه بوضع قراول مخصوص در بعض نقاط لازمه و چه بتعیین قراولهای امین که شریک
دزد و رفیق قافله نباشند و باجرای سایر تدابیر مؤثره راه دله دزدان داخلی و خارج را
از هر جهت مقطوع و مسدود دارند نه تنها بامنیت داخله اکتفا نموده از حالت خاک
همسایه نیز باخبر باشند یعنی چون اغلب دزدیها و غارتها خصوصاً که مکرر مشاهده
شده است از عشایر و اشرار سرحدیه طرفین سر میزند و عشایر طرفین مراوده و آشنائی
باهمدیگر دارند علیهذا سرحدداران را لازم است که پیوسته بواسطه جاسوسان

امین و هوشیار و مراوده عشایر سرحدنشینان طرفین از خیالات اشرار همسایه
مستحضر و باخبر بوده هر وقت شائبه توهم در ارتکاب شرارت متجاسرین نمایند فوراً بسرحدداران
همسایه اطلاع داده و زود از وقوعش را تحت الحفظ آن اشخاص را گرفتار کرده در راس سرحد تسلیم
متحفظین و سرحدداران دولت دوست همجوار نموده قبض دریافت دارند تا آنها بر حسب تکلیف
در طرق و شوارع داخله خود بمحافظت ایشان بپردازند البته اجناب جلالتمآب جنابان اکرم فخم
بهتر از همه ملتفت تمام نکات ممکنه الوقوعی هستند مراقبت نامه در این خصوص نموده
دستورالعملهای لازمه به سرحدداران دولت علیه خواهند داد که در اجرای تکالیف خود هیچگونه
فروگذاری نکرده و همیشه اخبار حاصله سرحدی را فوراً بجناب جلالتمآب جناب اکرم
اطلاع داده و بر حسب اقتضاء کسب تکلیف نمایند و بدانند در اکراه اهالی در شرایط مواظبت
و در سکاری خود کشنده مورد مجازات سخت خواهند دید تا بدینواسطه پیوسته بکمال امنیت
حدود امنیت کامله برای قوافل و زوار با برلرد و برقرار باشد